

صندوق‌های صدقه

به آخر خط رسیدند؟

جامعه‌پدیا

سال‌ها صندوق‌های فلزی کوچک، بخشی از تصویر کوچه‌ها، مغازه‌ها و خانه‌های ایرانی بودند؛ صندوق‌هایی که با هر سکه و اسکناس، صدقه‌ای را از دستی به‌دست دیگر می‌رساندند. حالا اما قرار است این تصویر آرام تغییر کند. کمیته امداد از جمع‌آوری تدریجی صندوق‌های خانگی و حرکت صندوق‌های صدقات معابر به سمت روش‌های الکترونیکی و هوشمند خبر داده است؛ تغییری که صدقه‌را از صندوق‌های فلزی به گوشی‌های تلفن همراه و ابزارهای پرداخت دیجیتال می‌برد. رئیس کمیته امداد امام خمینی (ره) در نشست خبری با رسانه‌ها در پاسخ به سؤال همشهری با اشاره به برنامه این نهاد برای تغییر شیوه جمع‌آوری صدقات گفت: صندوق‌های خانگی به تدریج جمع‌آوری می‌شوند و صدقات به سمت روش‌های الکترونیکی و هوشمند هدایت خواهد شد. به گفته او، استفاده از ابزارهای فناوری، از جمله روش‌های پرداخت الکترونیکی و کدهای دسترسی، در دستور کار قرار گرفته است. به گفته او اما این تغییر فقط به صندوق‌های داخل خانه‌ها محدود نمی‌شود. صندوق‌های فلزی مستقر در معابر عمومی نیز قرار است به تدریج جای خود را به روش‌های جدید بدهند. رئیس کمیته امداد درباره آینده این صندوق‌ها گفته است که آنها نیز باید به سمت شیوه‌های نوین حرکت کنند و ضرورتی ندارد به شکل گذشته به فعالیت خود ادامه دهند.

صدقه می‌ماند، صندوق‌ها می‌روند

مرتضی بختیاری با تأکید بر اینکه صدقه همچنان یک سنت ارزشمند است و مردم ارتباط خوبی با آن دارند، موضوعی که نشان می‌دهد تغییر اصلی در شیوه پرداخت است، نه در اصل این سنت، ادامه داد: کرونا یکی از عواملی بود که این تغییر را سرعت بخشید. در آن دوران، مراجعه نیروهای کمیته امداد به منازل برای تخلیه صندوق‌های خانگی با محدودیت مواجه شد و همین مسئله ضرورت گسترش پرداخت‌های دیجیتال، صدقه نیز در حال عبور از شکل سنتی خود است.

یک میلیون دانش آموز در چرخه حمایت

تعبیر در شیوه جمع‌آوری کمک‌های مردمی در شرایطی اتفاق می‌افتد که ترکیب جامعه تحت پوشش کمیته امداد نیز در حال تغییر است. رئیس کمیته امداد می‌گوید اکنون حدود یک

اصل و شرح



جامعه

امروز

محمد سرابی | روزنامه‌نگار | آسیب‌دیده‌ترین خوابگاه دانشجویی کشور در جنگ بازسازی شده است و دانشجویان از ابتدای سال تحصیلی در آن ساکن می‌شوند. وقتی دشمن پژوهشکده لیزر دانشگاه شهید بهشتی در شمال تهران را موشکباران کرد، موج انفجار آنقدر شدید بود که مجموعه خوابگاه‌های دخترانه را هم تخریب کرد. دروینچره‌ها و تاسیسات شکستند و خرد شدند اما به‌دلیل اینکه بنیان ساختمان‌ها سالم مانده بودند با انجام تعمیرات و بازسازی‌های لازم دوباره قابل استفاده هستند. روند بازسازی از همان زمان شروع شد تا بیش از ۲۰۰۰ دانشجوی برای سال جدید هم جایی برای اقامت داشته باشند. چند روز پیش حسین سیمایی صراف، وزیر علوم همراه با محمود رضا آقامیری، رئیس دانشگاه شهید بهشتی از روند بازسازی خوابگاه‌های دانشگاه شهید بهشتی بازدید کرد. در این باره با صمد حاج جباری، معاون دانشجویی دانشگاه شهید بهشتی گفت‌وگو کردیم. وی جزئیات تخریب رخ داده در جنگ و بازسازی‌های کنونی را برای همشهری شرح داد.

حمله‌ای که می‌توانست فاجعه شود

به دلیل نزدیک بودن ساختمان‌ها به محل انفجار خسارت وارد شده آنقدر شدید بود که اگر دانشجویی در این ساختمان‌ها اقامت داشت جان خود را از دست می‌داد یا به‌شدت مجروح می‌شد اما تعطیلی دانشگاه‌ها با چند تعطیلی تقویمی همزمان شد و ساختمان‌ها کاملاً خالی بودند. حمله در روز ۱۴ فروردین انجام گرفت که جمعه بود و کسی در دانشگاه حضور نداشت.

وقتی موج انفجار تا اتاق دختر هار رسید

پژوهشکده لیزر دانشگاه شهید بهشتی که هدف اصابت موشک قرار گرفت مجاور محلول خوابگاهی دختران قرار دارد. موج انفجار پژوهشکده را کاملاً از میان برد و در اطراف هم نه

میلیون دانش آموز تحت پوشش این نهاد قرار دارند؛ آماری که به گفته او نشان‌دهنده تحت پوشش بودن خانواده‌های آنهاست. در کنار ورود خانواده‌های جدید، بخشی از مددجویان نیز به دلیل بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی از چرخه حمایت خارج می‌شوند. رئیس کمیته امداد تأکید کرده که ورود

بازسازی خوابگاه ۲۰۰۰ دانشجوی

موشکباران دانشگاه شهید بهشتی در فروردین امسال بزرگ‌ترین خسارت وارد شده به خوابگاه‌های دانشجویی بود

فقط شیشه‌ها بلکه چهارچوب پنجره‌ها و سقف‌های کاذب را شکست. تخت و وسایل درون اتاق‌های دانشجویان به اطراف پراکنده و یخچال‌های سنگین جابه‌جا شده بودند. در هنگام بازدید مسئولان دانشگاه از خوابگاه‌ها، همچنان خطر حمله دشمن وجود داشت و صدای حملات و پرواز پهپادها به گوش می‌رسید.

پلمب خوابگاه‌ها برای حفظ وسایل دانشجویها

پس از تخریب، وسایل دانشجویان درون ساختمان‌ها و در میان آوار پراکنده شده بود به همین دلیل در نخستین مرحله تمام درهای ورودی ساختمان‌ها پلمب و با جوشکاری مسدود شدند. بعداً به دانشجویان اطلاع داده شد که حتماً حضور داشته باشند تا در شرایط ایمن وسایل شخصی خود را جمع‌آوری کنند.

۲ هزار تخت؛ یک دغدغه بزرگ برای مهرماه

در بلوک‌های خوابگاهی آسیب‌دیده ۲۰۰۰ تخت به دانشجویان دختر اختصاص داشت اما جمعیت ساکن در آنها بیشتر از ۲۰۰۰ نفر بود. بعضی اتاق‌ها ظرفیت بیشتری داشتند و با موافقت خود دانشجویان تعداد ساکنان آن بیشتر شده بود. مثلاً اتاق چهارنفره بود اما دانشجویان آن پذیرفته بودند که هم‌اتاقی پنجم هم داشته باشند.

سه‌م دخترها از خوابگاه بیشتر است

دانشگاه شهید بهشتی مجموعاً ۵۰۰ نفر ظرفیت خوابگاهی دارد که تعداد دختران آن به روال رایج دانشگاه‌های ایران، بیشتر از تعداد پسران است. ۴ هزار و ۵۰۰ دانشجوی دختر و ۳ هزار دانشجوی پسر در همه رده‌های تحصیلی از کارشناسی تا دکتری ساکن خوابگاه‌های ملکی و استیجاری هستند. ۲۰ ساختمان خوابگاهی درون پردیس دانشگاه قرار دارد و ۸ خوابگاه هم در نقاط مختلف سطح شهر قرار گرفته است.



خوابگاه‌ها

شاداب‌تر از گذشته می‌شوند

مکت

حسین سیمایی صراف، وزیر علوم
۹۵ درصد پروژه بازسازی خوابگاه‌ها انجام شده و بقیه اقلام که شامل موکت، در و پنجره است نیز عمدتاً تأخیری شده و فقط باید نصب شود. دانشجویان وقتی وارد خوابگاه‌ها می‌شوند، خواهند دید که وضعیت بعد از جنگ خیلی بهتر از قبل از جنگ شده است. بسیاری از پنجره‌ها برای صرفه‌جویی در انرژی دوجداره خواهد شد، میز و صندلی‌ها نیز نو خواهد شد و محیط شاداب‌تری خواهند داشت. دولت برای مجموعه بزرگی که هدف قرار گرفتند، (دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه شریف، دانشگاه علم و صنعت و دانشگاه صنعتی اصفهان)، گزارش‌های کاملی در یافت کرده و موضوع در دستور کار ستاد بازسازی قرار دارد.

وقتی دانشگاه برای خوابگاه یارانه می‌دهد

خوابگاه‌های استیجاری سطح شهر هم شامل ضوابط دانشگاه می‌شود؛ مانند اینکه کل ساختمان اجاره می‌شود و ورود افراد غیردانشجو به آنها ممنوع است. ورود و قوانین دیگر هم مانند آیین‌نامه خوابگاه‌ها اجرا می‌شود. دانشگاه برای هزینه اجاره به دانشجویان یارانه می‌دهد. هزینه خوابگاه ملکی دانشگاه برای هر دانشجو سالانه یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان است که در دوران تحصیل تقریباً ماهی ۲۵۰ هزار تومان می‌شود. در خوابگاه‌های استیجاری هم ۷۰ درصد هزینه به‌صورت یارانه از طرف دانشگاه پرداخت می‌شود؛ مثلاً از ۷ میلیون تومان هزینه اجاره بیش از شش میلیون تومان از سوی دانشگاه پرداخت می‌شود.

جنگ، سنوات دانشجویها را هم تغییر داد

جنگ باعث تعطیلی و مجازی‌شدن کلاس‌ها شد و برخی رشته‌های درسی به همین دلیل دچار مشکلاتی شدند. دانشجویان تا زمان مشخصی می‌توانند از خوابگاه استفاده کنند و اگر زمان تحصیل آنها بیشتر طول بکشد، اصطلاحاً «سنواتی» می‌شوند و سهمیه خوابگاه را از دست می‌دهند. دانشگاه به همین دلیل تصمیم گرفت که به این دانشجویان اجازه بدهد یک ترم را بدون در نظر گرفتن سنوات حذف کنند. حالا مشکل دیگری پیش آمده زیرا روند عادی ورود و خروج خوابگاه‌ها به هم خورده است. دانشجویان قبلی باقی مانده‌اند و دانشجویان جدید هم از اول مهر وارد می‌شوند و باید خوابگاه‌های جدید تدارک دیده شود.

زیباترین

هواداری

بارها شده که بعد از مسابقات فوتبال در سطح جهانی، همه از هوادارهای بسا فرهنگ ژاپنی حرف زده‌اند که قبل از ترک استادیوم، زیاده‌ها را جمع‌آوری می‌کنند؛ حالا یک بانوی هوادار تیم

استقلال نشان داد که ما ایرانی‌ها با این حرکت غربیه نیستیم. ماجرا این بود که چند روز پیش بعد از بازی استقلال و مس شهر یابک، یکی از هوادارهای خانم در حرکتی مسئولانه دست به جمع‌آوری زیاده‌های

روی سکو‌ها زد. تصاویر این خانم هوادار با کمی تأخیر در روز گذشته، بارها و بارها از سوی کاربران شبکه اجتماعی ایکس بازنشر شد و بسیاری به شیوه خود به این هوادار دستمریزاد گفتند.

تماس ویژه با آتش‌نشان فداکار

فداکاری آتش‌نشان بهشهری که جان پسرش را برای نجات کودکی به خطر انداخت مورد توجه دفتر رهبر انقلاب قرار گرفت

مکت

واقعی‌ترین لحظه

آرزوی آتش‌نشان شدن

سحر جعفریان عصر | روزنامه‌نگار | همین که ویدئوی عملیات نجات کودک خردسال از حادثه سقوط در چاه در شهر رستم کلادر شبکه‌های اجتماعی پربازدید شد، حیدر فلاح نیز با لایک‌های میلیونی به شهرت رسید؛ حیدر ۱۳ ساله که به‌واسطه عباس، پدر آتش‌نشان خود در این عملیات حضور داشت. این روزها نه فقط همسایه‌ها و هم‌محلی‌ها که بسیاری از اهالی شهر ستان بهشهر و استان مازندران و حتی دورتر، ساکنان دیگر شهرها و باز هم دور و دورتر، شهروندان دیگر کشورها نیز از سرنترس و دل‌قرص حیدر خبر دارند. کاربری در شبکه اجتماعی ایکس عکس او را به اشتراک گذاشته و نوشته: «قهرمان کوچک» و کاربری دیگر در شبکه اجتماعی اینستاگرام پستی از ویدئوی عملیات نجات را که در آن حیدر داخل چاه ۸ متری عمیق‌تری می‌شود، با این کپشن پست کرده: «همه آتش‌نشانی، مهارت و تخصص نیست؛ به‌کمش نوع دوستی که توی زن و خون حیدر فراوانه. درست با غلط، همون هم‌جای خالی بخشی از تجهیزات نجات رو پُر کرد و حادثه ختم‌به‌خیر شد.» حضور حیدر در آن عملیات، جسداً از یادونیا پیدهای مدیریت بحران، وجهی از ایرانی بودن را نمایان ساخت که مدتی است در میاهوی اخبار جنگ و تورم، تار به چشم می‌آید. قهرمانی کوچک و معمولی که در لحظه تصمیم و اقدام، هیچ به وایرال شدن و شهرت مجازی و احتمالاً دو چرخه‌ای که بعدتر کادوی شجاعتش شد، فکر نمی‌کرد؛ چشم دوخته بود به پدر نادش و گوش سپرده بود به صدای گریه کودک افتاده به چاه و مادر کودک که آن سسو بی‌قرار فرزندش بود. آن لحظه، واقعی‌ترین لحظه آرزوی حیدر بود؛ آرزوی آتش‌نشان شدن که حالا دیگر از آن مطمئن است.



گزارش

رابعه تیموری | روزنامه‌نگار | از روزی که عباس فلاح با به‌خطر انداختن جان پسرش نوجوانش کودکی را نجات داده، افراد مختلفی با او تماس گرفته‌اند و از فداکاری‌ای که آقای آتش‌نشان و فرزند شجاعش نشان داده‌اند، تمجید و قدردانی کرده‌اند، ولی او فکر نمی‌کرد آوازه کار بزرگش به گوش دفتر

یک روز کاری نه‌چندان متفاوت

آقای آتش‌نشان ماموریت‌های پرخطر کم نداشته و روزی هم که همراه تیم عملیاتی‌اش به شهر رستم کلا اعزام شد، نمی‌دانست از طرف چه کسی است. او تعریف می‌کند: «وقتی تماس را جواب دادم سراغ پسر مرا از من گرفتند و گفتند از بیت رهبری رنگ می‌زنیم و می‌خواهیم از طرف مقام معظم رهبری از شما و پسرانتان تشکر کنیم که با شجاعت و فداکاری خود جان یک کودک را نجات دادید.» این تماس را هم حسابی غافلگیر و خوشحال کرد: «باورم نمی‌شد که در این شرایط جنگی رهبری به این کار ما توجه نشان داده‌اند. پسر ما آقا حیدر هم وقتی متوجه شد از بیت تماس گرفته‌اند، خوشحال و هیجان‌زده شده بود. همین که تماس قطع شد من به مدیرم، مادرم و بسیاری از دوستانم رنگ زدم و این موضوع را برای آنها تعریف کردم.» سفر خانوادگی به مشهد هدیه خانواده فلاح و جانشینی این تماس تلفنی بود: «چند دقیقه بعد دوباره از بیت با ما تماس گرفتند و گفتند چند روز دیگر مقدمات سفر شما به مشهد فراهم می‌شود و می‌توانید همراه خانواده به زیارت امام رضا (ع) بروید.»



آقای آتش‌نشان نوجوان

آتش‌نشان بهشهری در آن لحظه حسابی با خدا شور و مشورت کرد و خواست او را پیش خانواده کودک روسفید کند، اما خانواده‌اش هم در این امتحان سخت تنه‌ایش نگذاشتند: «همان موقع با همسرم تماس گرفتم و موضوع را با او در میان گذاشتم. همسر هم فوراً و بدون تأمل موافقت کرد که پسرمان این کار را انجام دهد.» این اتفاق باعث شد همه شجاعت حیدر نوجوان را ستایش کنند. اما پیش از این اتفاق هم آقای پدر، قهرمان زندگی حیدر بوده و همیشه دوست داشته با جای پای پدر آتش‌نشانش بگذارد: «آقا حیدر همیشه به‌کار من علاقه نشان می‌داد و دوست داشت کاری داشته باشد که بتواند به دیگران کمک کند. من هم کمک‌های اولیه و فوت‌وفن‌های امدادی را به او آموزش داده‌ام تا اگر در شرایطی قرار گرفت که کسی به کمک نیاز داشت، هر کاری از دستش برمی‌آید انجام دهد.»